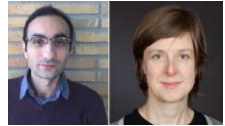


# اردوگاه پناهندگی موریای و نوزایش تاریخ استعمار اروپا

یولانده یانسن و شاهین نصیری



امه سِزر، شاعر و اندیشمند فرانسوی زبان اهل جزیره‌ی مارتینیک، در سال ۱۹۵۵ در کتاب «گفتاری درباره‌ی استعمارگری» نوشت که اروپا با فروختن روح و وجدان خود در کشورهای مستعمره، خود پیشاپیش شرایط پیدایش نازیسم را فراهم کرده بود.<sup>۱</sup> دولتمردان دوران سزر تبلیغ می‌کردند که «اروپا غیر قابل دفاع شده است». سِزر اما در پاسخ می‌گفت که این در واقع جایگاه و موقعیت اخلاقی اروپاست که غیرقابل دفاع شده است. او با تأکید بر این گزاره قصد داشت نشان دهد که اروپاییان از آغاز، گفتمان حقوق بشر و پروژه‌ی روشنگری را تنها با هدف توجیه پروژه‌های استعماری به‌راه انداخته و به‌کار گرفته‌اند. در نگرش و عملکرد استعمارگران، جان یک فرد اروپایی همواره ارزشمندتر از غیراروپاییان بود. در دوران ما، سوختن و ویرانی اردوگاه پناهندگی موریا در جزیره‌ی لسبوس و معامله با جان پناهجویان، بار دیگر این پرسش را در برابر ما قرار می‌دهد که آیا سیاست‌های پناهندگی اروپا از منظر اخلاقی قابل دفاع است؟ یا این که این بار نیز سیاست بر میراث پروژه‌های استعماری که همزمان مدعی ارائه‌ی ملاک و قطب‌نمای اخلاق و انسانیت به بشریت است بنا شده؟

در نظام پناهندگی اروپا، موریا به‌مثابه‌ی یک اردوگاه پناهندگی عادی که مطابق با موازین حقوق بشر اداره می‌شود به تصویر کشیده شده است؛ جایی که پناهجویان در آن می‌توانند روند درخواست پناهندگی خود را آغاز و پیگیری کنند. در واقعیت اما، موریا هیچ شباهتی به یک اردوگاه پناهندگی بشردوستانه نداشت. موریا یک اردوگاه نظامی متروکه بود که پس از امضای توافقنامه‌ی مهاجرت میان ترکیه و اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۱۶، به بزرگ‌ترین اردوگاه پناهندگی در جغرافیای اروپا تبدیل شد. با آن که حداکثر گنجایش این اردوگاه حدود سه هزار نفر برآورد می‌شد، برای سال‌ها بیش از سیزده‌هزار پناه‌جو در این مکان کوچک روی هم تلنبار شده بودند. کمبود

<sup>1</sup> Césaire, A. (1989). *Discours sur le colonialisme*. Paris: Présence africaine. (original work published 1955)

شدید امکانات اولیه و بهداشتی در این اردوگاه پناهندگی ورای توصیف بود. پس از شیوع ویروس کرونا در جزیره‌ی لسبوس در مارس ۲۰۲۰، ساکنان اردوگاه دیگر حتی اجازه‌ی خروج از مورییا را هم نداشتند. این درحالی‌ست که شهردار وقت لسبوس در سال ۲۰۱۵ هشدار داده بود که مورییا به «زندان گوانتاناموی اروپایی» تبدیل خواهد شد. پناهجویان سوری و افغان که یکی از نگارندگان در زمان انجام تحقیقات میدانی با آنها گفتگو کرده بود، این اردوگاه را «جهنم» توصیف می‌کردند.

### تابوتِ مدیترانه

در آتش‌سوختن و ویرانی کامل مورییا به شکل‌گیری این جهنم به‌تمامی عینیت بخشید. اکنون این دیگر ساکنان مورییا نیستند که انسان به حساب نمی‌آیند؛ امروز این تمام مرزهای آبی اروپا در حوزه‌ی دریای مدیترانه است که به یک تابوت بزرگ تبدیل شده است. دهه‌هاست که نظام بوروکراتیک پناهندگی اروپا، پناهجویان را به مشتی عدد و رقم، آمار و توده‌های بی‌شکل سیال فروکاسته که به قاره‌ی اروپا هجوم آورده و موجودیت آن را به خطر می‌اندازند. در این نگرش و تصویرسازی، پناهجو فردی بیگانه، آشوب‌گر و سودجو تلقی می‌شود که هیچ‌گونه شباهت و نزدیکی با «ما اروپاییان» ندارد. از این‌رو آنها که از جنگ، آزار و اذیت‌های سیاسی و نابرابری‌های عمیق اقتصادی در سطح جهان گریخته و به دنبال پناه می‌گردند، به اعماق جهنم پرتاب می‌شوند. پناه‌جستن تنها گناهی است که یک پناهجو مرتکب شده و می‌شود.

### پرچم‌داران حقوق بشر؟

امروز به‌کرات گفته می‌شود که گسترش راست افراطی این شرایطِ آخرالزمانی را به وجود آورده است. در عین‌حال، سیاست‌مداران میانه‌رو به ما گوش‌زد می‌کنند که چنانچه از طریق سیاست‌های پیشگیرانه از ورود پناهجویان به

اروپا جلوگیری نکنیم، احزاب افراطی در اروپا تقویت می‌شوند. با چنین توجیهی، احزاب «میان‌ه‌رو» بیش از پیش مواضع و سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای نسبت به پناهجویان اتخاذ می‌کنند. این دگردیسی‌های سیاسی تنها بیانگر یک حقیقت است: تصویری که دموکراسی‌های لیبرال در اروپا از خود در جایگاه پرچمداران جهانی حقوق بشر به رخ می‌کشیدند، هیچ‌گاه حقیقت نداشته است. احزاب میانه‌روی اروپایی میراث‌داران نگرشی استعماری هستند که در آن جان یک انسان غیراروپایی به مراتب بی‌ارزش‌تر از یک اروپایی است. خردانگاری و ارزش‌زدایی از جان بیگانگان که البته امروز دیگر به صراحت بیان نمی‌شود، بن‌مایه‌ی اصلی نظام نژادپرستانه‌ای است که جنبش «جان سیاه‌پوستان ارزشمند است» ما را به عمق آن آگاه کرد. اشرشت چنین نظامی در غرق کردن هزاران پناهجو در مرزهای آبی اروپا و طرد و زندانی کردن انسان‌ها آشکار می‌شود.

منطق امه سزر به ما یادآوری می‌کند که فرآورده‌ی نظام پناهندگی اروپا به دیدگاه احزاب دست‌راستی افراطی فروکاستنی نیست. این امر همچنین به ما گوشزد می‌کند که بن‌مایه‌ی پدیدآورنده‌ی دیدگاه راست افراطی که با سیاست‌گذاری‌های انسان‌ستیز همگام است، در همان خاستگاه تاریخی که از منظر اخلاقی قابل دفاع نیست نهفته است. در این میان، آیا نباید اکنون اذعان کنیم که موری‌فراخوان و هشدار به همه‌ی ماست تا بدانیم قرار است در آینده چه رخ دهد؟ آیا جز این است که بسیاری از احزاب سیاسی، همراه با احزاب دست‌راستی افراطی، به جای پاسداشت انسان تنها به شهروند اروپایی اهمیت می‌دهند؟ بی‌گمان، پناه و اسکان دادن به دوازده‌هزار انسان در کشورهای اروپایی کار دشواری نیست؛ این که چنین شود یا نه تنها به اراده‌ی ما بازمی‌گردد. با این همه، نشانه‌ها حاکی از برپا کردن یک موری‌ای دیگر است.

---

<sup>1</sup> Black Lives Matter

یولانده یانسن، استاد ممتاز در دانشگاه آزاد آمستردام و دانشیار فلسفه در دانشگاه آمستردام  
شاهین نصیری، مدرس فلسفه در دانشگاه وخنینگن و پژوهشگر فلسفه‌ی سیاسی در دانشگاه آمستردام

متن هلندی این مقاله به قلم یولانده یانسن و شاهین نصیری در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰ در روزنامه‌ی Trouw و تارنمای آن منتشر شده است. لینک مقاله:  
<https://www.trouw.nl/opinie/levens-in-moria-zijn-voor-europeanen-minder-waard~b54b17f8>